



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني: آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



تاریخ نشر: پنجشنبه ۸ اگست ۲۰۱۳ هالند

حکایت ۲۰۵

حدیث نیک و بد ما نوشته خواهد ماند

زمانه را سند و دفتری و دیوانی است

« پروین »

عیدی مهمان

ابن مقله خطاط معروف و وزیر مشهور عباسیان، عمل بصره را به نصر بن منصور تمیمی داده بود و او یک سال مأموریت خود را انجام داد. بعد از یکسال نصر را خواست و از او حساب گرفت. معلوم شد که مال بسیاری از بابت مالیات بر ذمت او مانده است.

هره لیکنه د لیکوال خپل نظر دی او خپله د لیکوال اند څرگندوی
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم مولانا سعيد افغاني » با ذکر مأخذ آن آزاد است

بن مقله باو گفت :

یا آنچه بر عهدهء تو میباشد بپرداز و یا بزندان برو!

نصر گفت :

من پول دارم ولی نزد من حاضر نیست ، بمن یکماه مهلت بدهید زیرا برای این مبلغ شایسته نیست که محبوس شوم!

ابن مقله که می دانست ، نصر مردی متمول است و پرداخت آن مبلغ برای او اشکالی ندارد ، در جواب گفت :

چون از طرف خلیفه در بارهء بازگشتن تون بخانه ات اجازه داده شده من حاضرم که یکماه بتو مهلت بدهم بشرطی که تو در همین جا بمانی ومهمان من باشی و پول پرداختی را طلب نمایی و پردازی! نصر قبول کرد و درخانهء ابن مقله مانند محبوس ، اقامت اختیار نمود.

اتفاقاً آنروز اول ماه رمضان بود وچون شب در آمد، ابن مقله بخادمان خود گفت :

نصر را بیاورید که با ما افطار کند.

نصر آمد و باتفاق یکدیگر افطار کردند و این حال تا آخر ماه روزه دوام یافت .

بعد از تمام شدن روزه و انجام دادن مراسم عید ، ابن مقله کسی را نزد نصر فرستاد و ادای باقیات او را یادآوری کرد و گفت :

چرا پولی را که بنا بود بیاورند نیاوردند؟.

نصر گفت:

من که آن پول را رسانیده ام!

ابن مقله پرسید:

بکدام شخص پرداختی ؟

نصر گفت :

بشما پرداختم!

ابن مقله در خشم شد و پرسید:

چگونه و کی و کجا بمن پرداختی؟

نصر جواب داد:

من پول نقد بتو نداده ام ولی در ماه رمضان مهمان تو بوده ام و بر سر سفرهء تو افطار کرده ام و اکنون که ماه رمضان بسر آمده و ایام عید است حق من آنست که از پرداخت آن مبلغ معاف گردم!

ابن مقله خندید و گفت :

راست میگویید ، قبض رسید خود را بگیر و بسلامت برو که من ترا از تأدیهء آن مبلغ معاف کردم. آنگاه باو سندی داد که بموجب آن از ادای مبلغ مزبور معاف شناخته میشد و او را اجازهء رفتن بخانه اش داد.

سلسله این حکایات ادامه دارد ...

www.24sahat.com

www.said-afghani.org - بازگشت به صفحه اصلی